

بردیا کیارس درباره تأثیر نبود تماشاگران در اجرای اخیر ارکستر ملی می‌گوید: در این سال‌ها که روی صحنه اجرا کرده‌ام، پس از پایان یک قطعه در کنسرت، نشانه مخاطبان تمام خستگی مرا به در می‌کرد ولی باز هم باید یاد بگیریم که حتی برای یک تماشاچی هم که شده بهترین کارمان را ارائه دهیم.

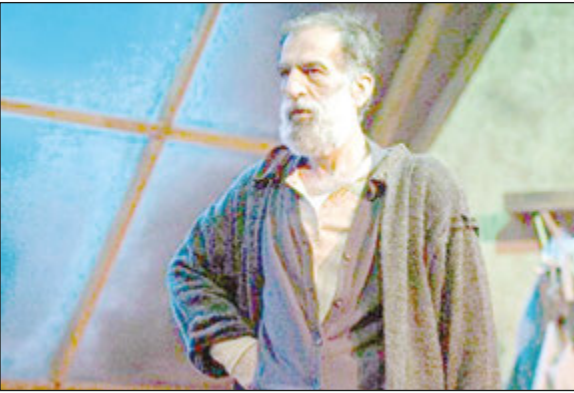
این رهبر ارکستر که در پنجمین روز از جشنواره موسیقی فجر به همراه ارکستر ملی به روی صحنه رفت، در مصاحبه‌ای با ایسنا درباره تأکید ارکستر ملی بر حفظ ارتباط با مخاطبان در دوران کرونا و برگزاری کنسرت‌های مجازی، گفت: با آغاز شیوع ویروس کرونا و نخستین قرنطینه سراسری، جنبشی به صورت خودجوش آغاز شد که بسیاری از هنرمندان موسیقی به حفظ ارتباط خود با مخاطبانشان پرداختند که ما نیز بخشی از این جنبش بودیم؛ البته با این کار تنها نوازستیم مخاطبان خود را حفظ کنیم؛ وگرنه اینکه هر کدام از نوازندگان ارکستر جداگانه در خانه ساز بزنند و ویدیوی آنها با تدوین کنار هم قرار بگیرد را نمی‌توان نوازندگی ارکستر نامید. زیرا تا زمانی که نوازنده در ارکستر قرار نگیرد، در کنار همکاری خود ساز نزنَد و صدای سازهای آنها را جهت هماهنگی نشنود، کلمه هم‌نوازی معنا نخواهد داشت.

این هنرمند همچنین درباره اهمیتی که موسیقی در دوران کرونا نزد مردم پیدا کرد، چنین گفت: در این مدت مردم تلاش کردند خودشان را با موسیقی زنده نگه دارند؛ مثلا در کنسرت‌های دیدیم که اینتالیا قرظینه بود و مردم در یک محله به کنار پنجره‌ها یا در پشت بام رفته و یا نفر آواز می‌خواند، یک نفر ساز می‌زد و برخی هم دست می‌زدند، این امر نشان می‌دهد که موسیقی جدای اینکه جزو هفت

ژول ورن، نویسنده یا مهندس!؟

سیدمهدی داودی

پنجم اسفند در تقویم رسمی ایران، روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی و روز مهندس نامگذاری شده‌است.اما ما قصد نداریم به بررسی روز مهندس یا خواجه نصیرالدین طوسی بپردازیم. می‌خواهیم از نویسنده ای بگوییم که کتاپ‌هایش به گونه ای بود که گویی مهندس است، نه فقط نویسنده.ژول ورن، ژول گابریل ورن، در سال ۱۸۲۸ در یک خانواده ثروتمند و تحصیلکرده در منطقه بندری شهر نانت فرانسه به دنیا آمد. او ابتدا به دلیل فشار پدرش، فلسفه و سخنوری را فرا گرفت و قرار بود مانند پدرش، وکیل شود، و حتی مدرک وکلانتش را نیز از دانشگاهی در پاریس گرفت. اما ورن جوان آرزوی دیگری داشت و علاقه‌اش به سفر و ماجراجویی باعث شد به نویسندگی روی بیاورد. او اولین داستان و نمایشنامه‌ی خود را در زمان تحصیل نوشت. اما تشویق نشدن از سوی خانواده، و جدی گرفته نشدن به سفر و ماجراجویی باعث متنازل شدن ازاهدانش برای ادامه نویسندگی بود، تا اینکه با «الکساندر دوما» آشنا شد. این آشنایی را باید نقطه طغف زندگی ژول ورن دانست. استعداد ورن جوان باعث شد، دوما جذب او شود و او را زیر بال و پر بگیرد و در نوشتندگی کمکش کند. تشویق‌های دوما باعث شد نویسندگی را



«راستش مردم آنقدر در تنگنا هستند که خجالت می‌کشم غر بزnm چون فکر می‌کمم افشار دیگری هستند که بیشتر از ما بچه‌های تئاتر به حمایت نیاز دارند.» این جملات بخشی از سخنان علی باقری است، بازیگر بی‌حاشیه و گزیده‌کار تئاتر. او که سابقه همکاری با تعداد زیادی از کارگردان‌های خلاق و نوگرای تئاتر ما را دارد، جزو معدود بازیگران حرفه‌ای است که در دوران دشوار کرونا با نمایش «سرایدار» روی صحنه رفته است. باقری در گفت‌وگویی نه چندان بلند با ایسنا از دلایل حضورش روی صحنه تئاتر می‌گوید، از اینکه نگران بوده این هنر به یک خاطره تبدیل شود ولی با وجود این، برای کسی نسخه‌ای نمی‌پیچد و تصمیم‌گیری درباره کار کردن را در دوران کرونا بسیار دشوار می‌داند. او که این روزها با بازی در نمایش «سرایدار» در تماشاخانه ملک روی صحنه است، از نخستین روزهایی یاد می‌کند که کرونا تازه به زندگی‌مان وارد شده بود. ایبن بازیگر که پیش‌تر بازی او را در نمایش‌هایی مانند «یوانف» و «رولور» و فیلم‌های سینمایی «زنده‌وارد می‌شود» و «هتری شیش و نیم» دیده‌ایم،

بردیا کیارس، رهبر ارکستر ملی:

صداوسیما نگرش خود را نسبت به نشان دادن ساز تغییر دهد



هنر شناخته شده است، یکی از مواردی است که توانست در این مدت به مردم کمک کند. برای همین مسئولان گرامی در صداوسیما باید نگرش خود را نسبت به نشان دادن ساز تغییر دهند. به هر حال که ما ساز را در اینترنت می‌بینیم پس چه فرقی دارد اگر در تلویزیون ببینیم.
در موسیقی کلاسیک جغرافیا معنی ندارد
او درباره جنبه جهانی بودن موسیقی به عنوان یک زبان گفت: موسیقی یک پدیده جهان شمول است و تنها چیزی که آن را از دیگری متمایز می‌کند، جغرافیا است. جغرافیا

این ارکستر، ارکستر ملی ایران با حداقل امکانات نبود! او همچنین درباره اجرا در این دوره از جشنواره موسیقی فجر گفت: با توجه به شرایطی که به خاطر شیوع ویروس کرونا به وجود آمده است، این شانس را داشتیم که توانستیم حداقل با رعایت پروتکل‌های بهداشتی که مدیریت بنیاد رودکی تدابیر آن را اندیشیده بود، تمرینات خوبی داشته باشیم و به اجرای اصلی برسیم. تا به حال درباره کنسرت‌های صحبت نکرده‌ام ولی این بار می‌توانم بگویم یکی از اجراهایی بود که وقتی خودم شنیدم لذت بردم و در بعضی جاها احساس می‌کردم این ارکستر، ارکستر ملی ایران که با حداقل امکانات کار می‌کند نیست، بلکه ارکستری است که نوازندگان آن درآمد و رفاه خیلی بیشتری دارند.

کیارس ادامه داد: نوازندگان ارکستر ملی ایران با وجود شرایطی که دارند، سنگ تمام گذاشتند.

قطعه «شور» از فکرت امیرف اصلا قطعه ساده‌ای نیست و در بین سه قطعه دیگر سخت‌تر بود. چیزی که این قطعه را متمایز می‌کند این است که مقام‌های آذری خیلی جاها برای ارکستر به صورت یک ملودی نوشته شده و کل ارکستر باید با تمام حالت‌ها و ظرافت‌هایی که وجود دارد، یک ملودی را اجرا کنند.

او تصریح کرد: خیلی اوقات در موسیقی تنها یک خط ملودی می‌شویم ولی چندین ساز دیگر در حاشیه، کارهای دیگری می‌کنند که تنها مخاطب متخصص متوجه می‌شود و مخاطب عادی فقط متوجه تغییر حال و هوای کار می‌شود. ولی «شور» امیرف در برخی جاها این جریان را ندارد و همه ارکستر تنها روی یک ملودی متمرکز هستند. اینکه این تعداد نفر بتوانند با یک تفکر، منطق و انسجام آن را درست اجرا کنند واقعا برایم خیلی هیجان‌انگیز بود.



داشت، اما ورن کماکان در مورد پیشرفت روز افزون فناوری خوش بین نبود. او اعتقاد داشت «انسان‌ها پس از اختراع ماشین‌ها، به وسیله‌های آنها بلعیده خواهند شد» که البته این دیدگاه از جامعه‌ی فرانسوی آن دوران نشأت می‌گرفت. پس از فوت اثرل در سال ۱۸۸۶، ورن دوباره به پایان‌های تلخ و استفاده بیش از حد از فناوری روی آورد. اما پیشینه‌ی‌های او به رحولات فناوری ختم نمیشد، بلکه او با نگاه به رفتارهای مورد تغییر جامعه‌ی انسانی، فناوری‌های بسیاری خلق شد و جهان را فتح کرد و باعث شد در نیمه دوم قرن بیستم، نویسندگانی مانند « ریچوند راسل و میشل بوتسور» ژول ورن را یک نابغه که فراتر از زمان خود تفکر می‌کرد، معرفی کنند. هر چند که پیر ژول اتزل با نصیحت‌ها و پیشنهادهایش تأثیر زیادی بر آثارش

ژول ورن، نویسنده و مهندس

یک بازیگر:

خجالت می‌کشم غر بزnm!

می‌گوید: از یک سال پیش که کرونا آمد، تئاتر جزو مشاغلی بود که بیشترین آسیب را متحمل شد. مدت‌ها تعطیل بود و فعالان آن هم دست‌شان به جایی بند نبود. کم کم به این فکر کردم که حتی خودم در خانه نمایشی کار کنم که جریان زندگی این هنر قطع نشود تا اینکه پیشنهاد بازی در نمایش «سرایدار» مطرح شد و پذیرفتم. ما تمرین نمایش را آغاز کردیم و به محض بازگشایی تئاتر، روی صحنه رفتیم.

او اضافه می‌کند: واقعیت این است که نگران بودم تئاتر وارد یک دوره رکود طولانی مدت بشود تا جایی که بگویم یادش بخیر روزی چیزی به نام تئاتر داشتیم! بنابراین انگیزه اولم، حفظ این هنر بود. از طرف دیگر کار کردن در شرایط سخت را هم دوست دارم.

این بازیگر با اشاره به پیچیدگی‌های ویروس کرونا ادامه می‌دهد: در شرایط فعلی تصمیم‌گیری بسیار سخت است زیرا پای سلامتی و جان افراد در بین است. بنابراین نمی‌توان به آسانی نظر داد و انتظار داشت که دیگر هنرمندان تئاتر هم خطر کنند و روی صحنه بروند بویژه که بحث خانواده‌ها هم مطرح است و یک هنرمند ممکن است خانواده خود را هم به خطر بیندازد. همه اینها سبب می‌شود تا افراد با احتیاط بیشتری تصمیم‌گیری کنند. البته ما هم کار پرخطری می‌کنیم ولی به تمام پروتکل‌های بهداشتی پایبند هستیم و همه گوشش‌مان را به کار می‌گیریم تا این پروتکل‌ها را به شکل کامل رعایت کنیم. خوشبختانه تا به حال مشکلی رخ ن داده و امیدوارم بعد از این هم همه چیز به خوبی طی شود.

باقری از ابراز خوشنودی از اجرای تئاتر در این دوران می‌گوید: همین که چند نمایش روی صحنه هستند، جای خوشحالی دارد. تماشاگران نمایش ما پیش از اینکه درباره کار ما صحبت کنند، از دلنگالی خود برای تئاتر می‌گویند. این

شهرام کرمی:

حفظ ارزش‌های هنرمند و معرفی او وظیفه گالری است

سوی گالری معرفی شد و مورد توجه مخاطبان قرار گرفت، باین‌حال توانستیم نظرات بینندگان را دریافت کنیم. او درباره ویژگی‌های آثار خود گفت: من نقاشی هستم که در زمینه فیلمسازی، شعر، طراحی صحنه و… نیز کار کرده‌ام. فضای آثارم بسیار شعرگونه و شخصی است. شاید بگویید کار همه هنرمند شخصی است، اما واقعیت این است که در آثار همه هنرمندان وجود یک خط و شکل مشخص دیده نمی‌شود و کمتر هنرمندی می‌کند که به یک امضای خاص رسیده باشد. این مسئله حاصل سال‌ها کار است و من هر روز صبح از خواب بیدار شده و مشغول نقاشی می‌شوم.

کرمی ادامه داد: فضاهایی که در نقاشی‌هایم دیده می‌شود، بسیار تحت تأثیر شعر و سینماست و همچنین از فلسفه و روانشناسی تأثیر می‌گیرم که رشته‌های مورداعلاقم من هستند و مطالعات زیادی در این زمینه دارم. کارهایم انسان‌محور است و حتی بخش‌های آستره کارها نیز فیگور دارد. او با اشاره به این که در این مجموعه آثار کوچک خود را به نمایش گذاشت، گفت: کوچک بودن کارها به دلیل این است که امکان اجرایی راحت‌تری می‌دهد و در فرصتهایی که در خانه نشسته‌ بودم کارهای کوچک برایم مانند یک دفتر یادداشت بود که هرآنچه در لحظه می‌خواستم را روی آن‌ها می‌آوردم. اما برخورد من با این آثار بسیار جدی بود و به همان اندازه کارهای بزرگ بر روی آن‌ها دقت و توجه



صحبت‌هایی که درباره کلیت تئاتر مطرح می‌شود، دلگرم‌کننده است. این بازیگر که در نمایش «سرایدار» نقش «دبویس» را بازی می‌کند، درباره آمیزش استقبال تماشاگران از این نمایش توضیح می‌دهد: پس از نظر گرفتن مجموعه شرایط و در دوره‌ای که هم اجرای تئاتر و به تماشای آن بسیار سخت شده، تعداد تماشاگران ما راضی‌کننده است. طبیعتا به دلیل رعایت پروتکل‌ها تنها نیمی از ظرفیت سالن می‌تواند پر شود و معمولا این ظرفیت در روزهای پایانی هفته تکمیل می‌شود.

باقری اضافه می‌کند: مسلما همه بازیگران دوست دارند سالن پر از تماشاگر باشد ولی همین شکل از اجرا هم برای من تجربه جالبی است. حتی اگر فقط یک تماشاگر داخل سالن باشد، بازیگر در برابر او مسئولیت دارد که کار خود را بدرستی انجام دهدد ولی طبیعتا یک سالن پر تماشاگر، انرژی بیشتری به بازیگران می‌دهد.

او درباره ضرورت حمایت از تئاتر در دوران کرونا می‌گوید: خیلی خوب است که در حد توان‌مان از دیدیگر حمایت کنیم ولی در وضعیت فعلی بیشتر مردم آن چنان نیازمند حمایت هستند که من به عنوان یک بازیگر خجالت می‌کشم غر بزnm و بگویم از تئاتر حمایت کنیدا چون فکر می‌کنم افشاری دیگری هم هستند که شرایط‌شان از ما سخت‌تر است. علی باقری در پایان با یادآوری مشکلات متعدد و عمیق تئاتر در طول سال‌های متمادی اضافه می‌کند: مشکلات تئاتر ما بسیار ریشه‌ای و نیازمند حمایت سیاستماتی است که تنها به این دوران محدود نمی‌شود. با این حال خیلی خوب است که دودمان در حد امکان، حمایت‌مان را از دیدیگر دریغ نکنیم و همه تلاش کنیم تا چراغ این خانه روشن بماند.



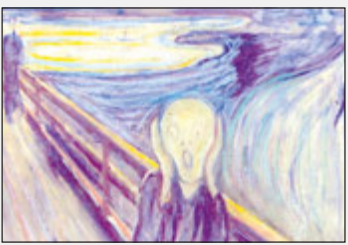
داشتم. او درباره وجود فضای ایرانی در آثارش گفت: تمام سال‌هایی که خارج از ایران زندگی می‌کردم دوستانم به من می‌گفتند که تنها فیزیک تو اینجاست، اما روح و روان در ایران سیر می‌کند. من آدمی نبودم که همه چیز را فراموش کنم بلکه ادبیت و سینمای ایران را همیشه دنبال می‌کردم و ارتباط خود را با این فضا حفظ کرده بودم. هنرمندانی که به خارج از کشور می‌روند می‌توانند ارتباط را قطع کنند و کاملا جدا شوند و یا می‌توانند یک مشکل آگاهانه و اندیشمندانه برای ارتباط با فرهنگ ایران داشته باشند. من احساس دو فرهنگی بودن می‌کنم و این حسن بزرگی بود. در غرب بسیار آموختم و دیدم وسعت پیدا کرد. از این شخصیت دو فرهنگی درست استفاده کردم و با چشم باز نگاه کردم. فکر می‌کنم بخشی از ارزش‌هایی که درباره آثارم در کشوره‌های خارجی مطرح می‌شود ناشی از همین دو فرهنگی بودن است و در مقالاتی که راجع به آثار نوشته شده یا جوازبی که در دریافت کرده‌ام همیشه به حضور فرهنگ ایرانی در آثارم اشاره شده است.

کرمی درباره تجربیات خود از نمایش آثارش در ایران گفت: سال‌ها در آمریکا و آلمان مشغول به کار بودم و در ایران کمتر شناخته می‌شدم، اما در سال‌های اخیر بیشتر در ایران حضور پیدا کردم و آثار خود را نمایش دادم. تجربیاتی که در کشورهای خارجی داشتم باعث شد است

فرهنگی

اخبار کوتاه

اکتشافی جدید درباره «جیغ»



«جیغ» اثر «دوادر مونتک» مدت‌هاست که به عنوان یکی از مشهورترین تابلوهای نقاشی جهان شناخته می‌شود و حالا کشف یک عبارت بر روی این نقاشی، به داستان‌های پیرامون آن افزوده است. به گزارش ایسنا

و به نقل از گاردین، هویت

نویسنده یک نوشته کوچک در گوشه سمت چپ یکی از چهار نسخه از تابلو نقاشی «جیغ» مدت‌ها موضوع بحث بود. در ابتدا گمان می‌شد عبارت «فقط می‌تواند به دست یک دیوانه نقاشی شده باشد» را خود «مونتک» نوشته باشد اما بعدها این نوشته به یک وندال نسبت داده شده بود؛ حالا نتایج بررسی‌های جدید کارشناسان موزه ملی نرژو نشان می‌دهد این عبارت قطعا به دست خود «مونتک» نوشته شده است. «مای بریت گولنگ» که یکی از کارشناسان آثار «مونتک» و مدیر موزه ملی نرژو بررسی درباره این عبارت که برای نخستین‌بار در سال ۱۹۰۴ کشف شده بود را آغاز کرد و پس از مشورت با همکارانش به این نتیجه رسید مونتک این عبارت را نوشته است. «گولنگ» معتقد است این عبارت نشان‌دهنده وضعیت روحی «مونتک» است. گمان می‌رود این عبارت در سال ۱۸۹۵ و پس از حضور این هنرمند در جلسه‌ای نوشته شده است که در آن یک دانشجوی پزشکی با دیدن این نقاشی گفته بود این اثر باید توسط کسی که مشکلات روحی دارد خلق شده باشد. این نقاشی در سال ۲۰۲۲ در ساختمان جدید موزه ملی نرژو در کنار سایر نقاشی‌های «مونتک» و در سالن مختص آثار این هنرمند به نمایش گذاشته خواهد شد.

فیلمی با بازی ترانه علیدوستی

در رویداد سالانه موسسه فیلم دوچه



فیلم «اورکا» ساخته سحر مصیبی یکی از ۴۸ پروژه از کشورهای مختلف جهان است که امسال در رویداد سالانه «قمره» موسسه فیلم دوچه پذیرفته شده است. به گزارش ایسنا، «کلر دنی» و «جیمیر گری» و «جسیکا هاسنتر» به عنوان سه

کارگردان در کنار «مارک مانگینی» صدابردار و «فیدون پامامیشل» فیلمبردار نامزد استسکار، پنج سینماگری هستند که به عنوان اساتید سینمایی تجربیات خود را در قالب برگزاری کارگاه‌های تخصصی در اختیار فیلمسازان برگزیده برنامه سالانه استعدادیابی موسسه فیلم دوچه خواهند کرد. هفتمین دوره رویداد سالانه استعدادیابی موسسه فیلم دوچه با عنوان «قمره» امسال ۴۸ پروژه بین الملی شامل ۲۰ فیلم بلند، ۶ سئریال و ۱۲ فیلم کوتاه را در مراحل مختلف تولید از ۲۱ کشور جهان انتخاب کرده است و فیلم «اورکا» ساخته سحر مصیبی محصول مشترک ایران و قطر نیز در بخش آثار بلند داستانی انتخاب شده است. «اورکا» نخستین تجربه بلند سینمایی سحر مصیبی در مقام کارگردان به حساب می‌آید که اثر علیدوستی، مسعود کرامتی، مهتاب نصیرپور، محمد رشمنو، حسن زارعی، سیده علایی، آرمیک قریبیان، فاطمه نیشابوری، حمیده حمیدی و حضور مهتاب کرامتی در آن نقش آفرینی کرده اند.

عوامل این فیلم سینمایی عبارتند از:تهیه‌کننده: طیهور ابوالقاسمی، مهتاب کرامتی، کارگردان: سحر مصیبی، نویسنده: طلا معتضدی،مدیر تولید: سمیرا علایی،مدیر فیلمبرداری: روزبه رایگانندونین، محمدرضا عموینی، مشاور کارگردان: سامان مقدم،سندستیل آثر کارگردان و برنامه‌ریز: آلاله هاشمی،منشی صحنه: آذر تجلی، صدابردار: مهدی ابراهیمزاده،طراحی صدا و صداگذاری: حسین ابوالصدق،طراح گریم: عباس عبیسی، طراح صحنه: امیرحسین حداد، مهتاب کرامتی،طراح لباس: مهتاب کرامتی، علی عبدیبنی،علکاس: مریم محمدمشاور رسانه‌ای: امسور بین‌الملل: تمیمن مهاجرانی،جلوه‌های ویژه میدانی: آرش آقاییک،جلوه‌های ویژه بصری: داریوش حافظ‌الکتب،مدیر تدارکات: بهمن صدیق. هفتمین دوره از رویداد «قمره» موسسه فیلم دوچه که ویژه فیلمسازان فیلم اول و دوم است با هدف ایجاد فضا برای صداهای جدید در سینما از تاریخ ۱۲ تا ۱۷ مارس (۲۲ تا ۲۷ اسفند) به صورت مجازی برگزار خواهد شد.

گفت‌وگو

تهیه‌کننده سریال «جلال»:

به مدافعان فرهنگ هم واکنس بزیند

تهیه‌کننده سریال «جلال» بر نقش مهم بازیگران و سازندگان فیلم و سریال‌ها در حفظ فرهنگ تأکید کرد و خواستار توجه بیشتر مسوولان به آنها شد.

علیرضا جلالی با تأکید بر اینکه بازیگران و عوامل ساخت فیلم و سریال‌ها در شرایط کرونا در خط مقدم هستند، به ایسنا گفت: ما مدافعین سلامت داریم، اما مدافعین جبهه داریم. مدافعین حرم داریم اما کمتر مسوولی گفت که ما در این مملکت مدافعین فرهنگ هم داریم. این بچه‌ها در شرایط گوناویی جانشان را کف دستشان گرفتند و آمدند سریال را ساختند تا آنتن تلویزیون و سینما خالی نباشد. بازیگرها بدون ماسک و هیچ پوششی کار می‌کنند.

جلالی افزود: می‌خواهم به مسوولان بهداشت و درمان بگویم باید یک سهمیه‌ای برای این بچه‌ها که در این شرایط کار می‌کنند قائل شوند؛ مثل کادر درمان. این‌ها فرهنگ یک کشور را نگه داشته و نمی‌گذارند تا لطمه بخورد. منظوم سهمیه واکنس کرونا است زیرا بازیگران بدون ماسک کار می‌کنند. این‌ها مدافعین فرهنگ این کشور هستند. با این سختی کار می‌کنند اما به آن‌ها بی توجهی می‌شود. همان طور که به کادر درمان واکنس می‌زدند باید به افرادی که کار تولید فیلم و سریال انجام می‌دهند هم واکنس بزنند زیرا آن‌ها هم در خط مقدم هستند. تهیه‌کننده «جلال» درباره دشواری‌های ساخت سریال در دوران کرونا گفت: قطعا سریال سازی در این شرایط بسیار سخت است. از عوامل سریال «جلال» حدود شش – هفت نفر کرونا گرفتند، بستری شدند یا در منزل ماندند تا خوب شدند و به سر کار برگشتند. در شرایط کرونا هزینه تولید چند برابر و تایم فیلمبرداری کمتر شده بود. بحث خورد و خوراک و پذیرایی هم در این ایام دشوار است؛ بازیگران و عوامل سریال، از ساعت ۶ صبح تا شب سسر کار هستند و باید صبحانه و نهار برای آن‌ها تهیه شود و در عین حال موارد بهداشتی هم رعایت شود. ما یک پزشک مقیم سر صحنه داشتیم که هر روز بازیگران و عوامل را تست می‌کرد.

او ادامه داد: شنیده‌ام که برخی از بازیگران در پروژه‌های دیگر دو – سه هفته تعطیل می‌کردند و می‌ترسیدند که کار کنند اما ما همچنین موردی نداشتیم؛ بازیگران ما همه در آن شرایط سخت کار کردند؛ ما در موزه عبرت در آن فضای بسته کار کردیم و دعا می‌کردیم اتفاقی برای کسی نیفتد؛ مخصوصا بازیگران که نمی‌توانند ماسک بزنند. کارگردان ما هم ماسک نمی‌زد می‌گفت نمی‌توانم بسا بازیگر ارتباط بگیرم. وقتی کارگردان با بازیگرش ارتباط چهره به چهره نداشت باشد و نگوید چکار کند، بازیگر نمی‌تواند بازی کند.

این‌ها تعدادی از مشکلات ساخت سریال در دوران کرونا است. این تهیه‌کننده درباره ساخت سریال تاریخی «جلال» و دشواری‌های بازسازی دوران تاریخ معاصر اظهار کرد: ما در سریال «جلال» به نویسندگی و کارگردانی آقای حسن نجفی سهه مقطع تاریخی را روایت می‌کنیم؛ قیل از انقلاب، انقلاب و دوران جنگ. ما حدود ۲۵۰ لوکیشن داشتیم و این برای سریالی در ابعاد استان‌ها در نوع خودشان یک نظر منحصربه‌فرد است. از لوکیشن‌های سخت ما بازسازی سوسنگرد بود. ما شهر سوسنگرد را ساختیم و توپ و تانک و تجهیزات را به آن‌جا آوردیم. در هر قسمت تغییر ۱۰ و ۱۲ لوکیشن داشتیم. ما جنوب نرغین اما جنوب را اینجا ساختیم و در دل تولید، پیش تولید را انجام دادیم. ۲۶ قسمت از یک سریال ۴۵ دقیقه‌ای را در شش ماه و نیم و با هزینه بسیار بسیار اندکی ساختیم که آن‌هم هنوز به ما ندادند و هنوز به عوامل بدهکاریم. قول دادند که کمک بکنند تا من شرمنده عواملم نشوم.

جلالی در پایان گفت: تمام بچه‌ها از بازیگر تا افرادی که پذیرایی می‌کردند در این شرایط کرونایی زحمت کشیدند و با جان و دل کار کردند؛ به ویژه تصویربردار ما مهدی مهرانفرم که زحمات زیادی کشیدند. من می‌خواهم به مسوولان خواهش کنم بیایند این بچه‌ها را تشویق کنند تا برای کارهای بعدی هم بتوانند با انگیزه کار کنند.